

اله محمدی بودن دشوار است

عبدالجواد موسوی
شاعر و روزنامه‌نگار

اله محمدی جایزه‌ای را که بابت آزادی مطبوعات گرفته بود، به خبرنگاران فلسطینی تقدیم کرد. در فضای دوقطبی جامعه ما که به درستی از آن به دوقطبی تهی مغزان تعبیر شده است، این اتفاق خوب فهم نمی‌شود. یک طرف ماجرا که خود را مالک همه ارزش‌های الهی، انسانی، شرعی و عرفی روی زمین می‌داند به اله محمدی معترض می‌شود که تو اصلاً حق نداری درباره فلسطینی‌ها سخن بگویی. سخن گفتن، همدلی و همدردی با فلسطینی‌ها ملک طلق ماست و تو تا وقتی تکلیف‌ت را با ماجرای مهسا امینی روشن نکردی و قرائت خاص ما از آن واقعه را پذیرفتی، خونت مباح است و همین که اجازه داده‌ایم نفس یکشسی در حقت لطف کرده‌ایم. طرف دیگر ماجرا هم که تکلیف‌ش روشن است. آن قدر عصبانی است که اصلاً نمی‌توانی با او سلام و علیک کنی. به احوالپرسی نرسیده می‌خواهد بگذاردت سینه دیوار و به تقاضا همه ناکارآمدی‌ها و فجایعی که در چند دهه اخیر رخ داده تیربارانت کند. او فکر می‌کند سخن گفتن از فلسطین و مردم مظلومش یعنی همسو شدن با گشت ارشاد و توی سب زدن و بیچه مردم زدن. این وسط اما هنوز آدم‌هایی که فارغ از دوقطبی‌های مضحک نفس می‌کشند وجود دارند. آدم‌هایی مثل اله محمدی که تاوان سختی را بابت مستقل بودن می‌پردازند. نمی‌دانم لازم است توضیح بدهم یا نه اما برای رفع هرگونه سوءتفاهمی عرض می‌کنم که این حرف‌ها به معنای تایید همه مواضع، افکار و عقاید اله محمدی یا دوستانی مثل او نیست. دارم از یک کلیت حرف می‌زنم. از یک عقیده مشخص و روشن که انتقاد آن هم انتقاد صریح، روشن و گاه رادیکال از صدر تا ذیل نظام سیاسی کشورش را حق مسلم خودش می‌داند اما این حق مسلم را بدل به کینه و نفرت نمی‌کند. می‌تواند از کشور خارج شود اما نمی‌شود. می‌ماند، تاوان می‌دهد و تقد می‌کند. این مقدار انصاف هم دارد که مظلومیت مردم بی‌پناه غزه را با مسائل سیاسی داخلی ادغام نکند و رنجش از حکمرانی کنونی او را به حمایت از قصابانی چون نتانیاو نکشاند. او خوب می‌داند آن کسی که دلش برای کودکان، زنان و دیگر بی‌پناهان فلسطینی نمی‌تپد نمی‌تواند دعوی نوع دوستی و وطن پرستی داشته باشد. این‌ها شمار است. آدمیزاد اگر دردمند باشد دیگر این خط‌کشی‌ها برایش مفهومی ندارد. نمی‌توان برای حیثیت و شرف‌ن‌های ایرانی دل نسنوزاند اما برای فلسطینی‌ها سوزاند. همان طور که نمی‌توان برای زنان و دختران این سرزمین دل سوزاند اما نسبت به سرنوشت فلسطینی‌ها بی‌اعتنا بود. آنکه به یک طرف ماجرا غش می‌کند یا کاسب است یا دارد ادای آدم‌های شریف و دردمند را در می‌آورد. به حکم بنی آدم اعضای یک پیکرند. نمی‌توانی آدمیان را بر اساس عقیده، مذهب، رنگ و پوست تفکیک کنی. آدمیزاد فارغ از همه مرزبندی‌های موجود باید محترم شمرده شود. آنچه سبب تمایز انسان‌ها از یکدیگر می‌شود رفتار آنهاست. همین. اله محمدی خوب می‌داند که با اعطای جایزه‌اش به فلسطینی‌ها نه در مسجد دهندش ره، نه در میخانه، زهدفروشان او را بی‌پروایی تمام عیار. اما او نه زهد می‌فروشد، نه به فسق مسلمانی از جنس خود می‌خواهند و اهل فسق او را بی‌پروایی تمام عیار. او یک روزنامه‌نگار است و اتفاقاً به سبب روزنامه‌نگاری بودنش نبض جامعه را در دست دارد و اگر بخواهد محبوب قلوب باشد بلد است چگونه نقش بازی کند. کافی است تصمیم بگیرد نان ستایش از وضع موجود را بخورد یا در شمار سلبریتی‌های تهی مغز درآید. اما او انتخاب کرده است که آزاد باشد. مستقل. حرف خودش را بزند. حتی اگر این حرف موجب رنجش خودارزشی‌پندان شود یا نفرت و کینه بی‌حد و حصر مدعیان آزادی خواهی را برانگیزد. این روزها حرف اله محمدی و امثال او خریدار چندانی ندارد چرا که اصلاً گوشه‌برای شنیدن یافت نمی‌شود. همه چیز یا سایه است یا سفید. بار دیگر برگشته‌ایم به روزگار دکتر علی شریعتی که می‌گفت: آنان که رفتند کاری حسینی کردند و آنان که ماندند باید کاری زینبی کنند و گرنه زینبی‌اند. در هیچ روزگاری به اندازه روزگار ما علیه ایدئولوژی سخن گفته نشده و ارضاء در هیچ روزگاری نیز به این اندازه ایدئولوژی زده نبوده‌ایم و به همین نسبت در هیچ روزگاری آزادی خواهی این همه مدعی و سینه‌چاک نداشته و باز طرفه این که در هیچ روزگاری آدمیان از آزادی و آزادی این قدر تهی نبوده‌اند. گویی همیشه نسبتی معکوس بین شعار و عمل وجود دارد. به قول هوشنگ ابتهاج:

از داد و دود آن همه گفتند و نکردند
یارب چه قدر فاصله‌ی دست و زبان است

۲۴ ساعت
24 HOURS

۱۶

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline
https://t.me/hammihanonline
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیو • دبیران گروه‌ها: فرزانه پهرانی (اقتصاد) • آرمن منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • آرش خاموشی (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حرفه‌پژوهی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۴۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



اندوهی فارغ از دیدگاه سیاسی

اعلام خبر شهادت رئیس دولت سیزدهم واکنش‌هایی گسترده از جمله از سوی اهالی فرهنگ و هنر برانگیخت

گروه فرهنگ: آیت‌الله ابراهیم رئیسی، هشتمین رئیس جمهوری ایران عصر یکشنبه ۳۰ اردیبهشتماه ۱۴۰۳ در مسیر بازگشت از مراسم افتتاح سد قیز قلعه‌سی به سمت شهر تبریز، در منطقه ورزقان استان آذربایجان شرقی دچار سانحه هوایی شد و به همراه تمام همراهان: حجت‌الاسلام سیدمحمدعلی آل‌هاشم نماینده ولی فقیه و امام جمعه تبریز، حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه، مالک رحمتی استاندار آذربایجان شرقی، سردار سیدمهدی موسوی فرمانده یگان حفاظت رئیس جمهور، سرهنگ خلیان سیدطاها مصطفوی، سرهنگ خلیان محسن دریاوش و سرگرد فنی بهروز قدیمی به شهادت رسید. این رخداد تلخ واکنش طیف‌های گوناگون از اشراف متفاوت جامعه از جمله اهالی فرهنگ و هنر را برانگیخت و پیام‌های تسلیت متعددی را روانه فضای مجازی و سایت‌های خبری کرد.

بینندگان عملیات زنده جست‌وجو

از جمله اخباری که پس از اعلام شهادت رئیس دولت سیزدهم مورد توجه قرار گرفت همکاری ترکیه با ایران برای یافتن بالگرد حامل رئیس جمهور و همراهش بود. هر چند سردار اصغر عسقلانی زاده، فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عاشورای استان آذربایجان شرقی ضمن تشکر از همکاری ترکیه برای ارسال پهپاد به ایران در گفت‌وگو با نسیم اضافه کرد، آن چه پهپاد ترکیه‌ای شناسایی کرده بود یک لکه سیاه بود و وقتی نیروهای امداد به آن جاسیدند مشخص شد آن چه این پهپاد تشخیص داده است، بالگرد نیست و در نهایت چند پهپاد ایرانی که مشغول گشت‌زنی در مناطق کوهستانی بودند، موفق به شناسایی، تصویربرداری و ارسال تصاویر به مرکز مدیریت ستاد بحران شدند. با این وجود طبق اخبار منتشرشده پخش مستقیم جست‌وجوی پهپاد ترکیه‌ای، آنچه‌ی نزدیک به یک میلیون نفر بیننده داشت. آنچه‌ی، پرنده بدون سرنشین دارای توان پرواز تا ارتفاع بیش از ۲۹ کیلومتر و میزان ماندگاری پروازی ۲۴ ساعت است.

تعطیلی همه فعالیت‌ها به مدت ۷ روز

از جمله نخستین واکنش‌ها از سوی بخش دولتی فرهنگ و هنر ایران به خبر شهادت رئیس جمهور و همراهانش از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. این وزارتخانه اعلام کرد، همه فعالیت‌های فرهنگی و هنری سراسر کشور از روز دوشنبه ۳۱ اردیبهشتماه به مدت ۷ روز تعطیل خواهد بود. محمد مهدی سسموعی، رئیس مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعلام این خبر در شبکه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) نوشت: «انالله و انالیه راجعون. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شهادت حضرت آیت‌الله رئیسی و جمعی از همراهان ایشان را تسلیت عرض می‌نماید. تمام فعالیت‌های فرهنگی و هنری سراسر کشور از امروز به مدت ۷ روز تعطیل می‌باشد.» در کنار تعطیلی یک‌هفته‌ای حوزه فرهنگ و هنر، آکران‌های سینمایی و اجراهای کنارتی و موسیقی، دیگر رویداد لغوشده برنامه‌های «هفته میراث فرهنگی» بود. هفته میراث فرهنگی از ۲۹ اردیبهشت‌ماه آغاز شده بود و قرار بود تا یک‌هفته با برگزاری نمایشگاه‌ها، نشست‌ها و همایش‌های تخصصی ادامه یابد. محمود سالاری، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در گفت‌وگو با ایسنا شهادت رئیس دولت سیزدهم در شب میلاد امام رضا(ع) را عاقبت به خیری خواند و اضافه کرد این عاقبت‌به‌خیری برای ایشان مبارک است، هر چند برای ما سخت و جان‌گداز است.

خراش رخدادی دلخراش بر جان هنرمندان

از پیام تسلیت نهادهایی چون مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، سازمان سینمایی، موزه سینما، هیئت اسلامی هنرمندان، اداره کل هنرهای نمایشی، بنیاد رودکی، خانه تئاتر، خانه سینما، دفاتر انجمن سینمای جوان، بنیاد سینمایی فارابی، انجمن هنرهای نمایشی، اتحادیه‌نشان و کتابفروشان تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، پلنفرم‌های شبکه‌نمایش خانگی، سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های

صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی (ساترا) و... برای شهادت هشتمین رئیس جمهور ایران که بگذریم، هنرمندان بسیاری نیز در فضای مجازی یا در گفت‌وگو با رسانه‌های رسمی نسبت به این موضوع واکنش نشان دادند. هنرمندانی که از جمله آن‌ها می‌توان به ابراهیم حاتمی‌کیا، محمود پاک‌نیت، اصغر سمسارزاده، فرهاد قائمیان، فاضل جمشیدی، محمد قبلی، حامد عسگری، علیرام نورایی، رضا رویگری، جعفر دهقان، هادی مرزبان، بهنوش بختیاری، سعید ابوطالب، سرویس سپهری، احمد معظمی، ابوالفضل همراه، نسرین نیکسا، محمود گبرلو، نجم‌الدین شریعتی، مژده لاسانی، محمد مهدی سیار، امیر خسروشاهی، سیدمحمد رضوی، آزینا موهوبی، آزینا ترکشوند، راحله امینیان، محیا دهقانی، حسن روح‌الامین، امید مهدی‌نژاد، احمد ایران‌دوست، داود امیریان، مه‌رمان رحیمی و... اشاره کرد.

از جمله این واکنش‌های قابل تأمل، خاطره‌ای بود که محمود گبرلو، منتقد سینما و مجری تلویزیون از برخورد خود با رئیس جمهور شهید در افطاری هنرمندان گفت. گبرلو با اشاره به حضور در برنامه‌های دیدار اهالی فرهنگ و هنر با ابراهیم رئیسی در زمان ریاست جمهوری او نوشت، فارغ از اینکه منتقد سیاست‌های دولت سیزدهم در عرصه فرهنگ و هنر به خصوص سینما بوده است، هنگام برخورد روز در روز رفتار صادقانه و خیر خواهانه رئیس جمهور با همه اهالی فرهنگ و هنر از هر طیف و تفکری توجهش را به خود جلب کرده است. گبرلو در ادامه این دل‌نوشته افزود: «هیچ وقت نمی‌توان خوش‌بش‌های گرم و صمیمانه ایشان را آن‌که معلوم بود شناخت جامعه‌ای از هنرمندان این کشور ندارد و اسامی آنان را نمی‌داند و حتی ممکن است آثارشان را ندیده یا نخونده باشد، فراموش کرد. کافی بود احساس کند فرد مقابلش اهل فرهنگ و هنر و قلم است، نجیبانه و به سادگی پذیرا می‌شود و با مهربانی گفت‌وگو می‌کرد.»

دیگر واکنش متفاوت نیز از سوی رضا میرکرمی بود که در گفت‌وگو با مهر از این گفت که فارغ از اینکه چه دیدگاه سیاسی داشته باشید، این که تعدادی از مسئولان تراز اول کشور در مسیر انجام وظیفه به این شکل جان خود را از دست بدهند، دلخراش است. او همچنین افزود: «من هم مثل بسیاری از مردم شب‌را نخواستیم و پیگیر اخبار و امیدوار بودم که این سانحه هولناک با خبری خوش به انتها برسد. ولی تقدیر الهی چیز دیگری بود و باید تسلیم بود.» واکنش دیگری که در نوع خود جالب توجه بود از سوی نجیب بارور، شاعر افغانستانی ساکن ایران ابراز شد. او سوره‌ای از این قرار را با هشتگ «سید شهیدان خدمت» به اشتراک گذاشت: «بمان برادر من، وقت، وقت رفتن نیست / بمان، شتاب‌مکن، وقت، وقت مردن نیست / هنوز جنگ من و جنگ ما تمام نشد / هنوز فرصت این گونه رخت‌بستن نیست / اگر چه قصه‌ی ما، قصه‌ی شهادت ماست / اگر چه مرگ در این راه گرد دامن نیست / مباد خاطر ما بشکند بدون شما / مباد گریه بیاریم، وقت شیون نیست / یکی برقت و هزاران دوباره بر خیزد / سپاه می‌رزد گر در آن ته‌متن نیست / شهید خدمت مردم‌شدن سزای دل است / که هیچ خوشه‌چنین در تمام خرمن نیست / به خاک دفن شدن، لذت مبارزه است / مباد این که بمانیم، و خاک میهن نیست / بمان برادر من، تا نهایت این راه / ترو که طاق‌ت لبخندهای دشمن نیست.»

تأثیری فارغ از انتقادات

حجم واکنش اهالی فرهنگ و هنر همچون دیگر حوزه‌ها به شهادت هشتمین رئیس جمهور ایران چنان گسترده بود که در رسانه‌ها از آن با عنوان «سیاهپوش شدن فضای مجازی» یاد شد. واکنش‌هایی که به یاد می‌آورد به‌رغم انتقادات وارده به عملکرد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت ابراهیم رئیسی و زیرمجموعه‌های آن از جمله سازمان سینمایی، دفتر موسیقی، اداره کل هنرهای نمایشی، اداره کل هنرهای تجسمی، خانه کتاب و ادبیات ایران و... آن چه موجب تأثر است اینکه تعدادی از مسئولان تراز اول کشور در مسیر انجام وظیفه به این شکل جان خود را از دست بدهند حتی اگر به قول محمود گبرلو، شناخت جامعه‌ای از هنرمندان این کشور نداشته باشند و اسامی آنان را ندانند و حتی آثارشان را ندیده یا نخونده باشند.

چهره

روز صدرا المتالین



اول خردادماه در تقویم رسمی ایران، «سالروز بزرگداشت ملاصدرا» نام‌گذاری شده است. صدرالدین محمدبن ابراهیم قوام‌شیرازی که با نام‌های ملاصدرا و صدرالمتالین شناخته می‌شود، حکیم متأله، فیلسوف، متفکر و دانشمند بزرگ ایرانی پرآوازه سده یازدهم هجری قمری است. ملاصدرا، فیلسوفی است که

در چهره‌ای تازه را در جریان فکر فلسفی جهان اسلام گشوده و در طول حیاتش ۵۰ کتاب و رساله نوشته است. ملاصدرا پایه‌گذار حکمت متعالیه؛ شاخه‌ای از فلسفه اسلامی بوده که حاوی ژرف‌ترین پاسخ‌ها به مسائل فلسفی است. مکتب او در برخی مسائل فلسفی با مکتب مشاء و در بعضی مسائل با مکتب اشراق مطابقت دارد. حکمت متعالیه بر اصل وجود و تمایز آن از ماهیت استوار است؛ بدیهی‌ترین مسئله‌ی جهان، مسئله‌ی وجود یا هستی است که ما آن را با علم حضوری و دریافت درونی درک کرده و نیازی به اثباتش نداریم. ماهیت، آن چیزی است که سبب گوناگونی و تکثر پدیده‌ها می‌شود و هر وجود، قالبی ویژه می‌بخشد. بنابر این دیدگاه، اصل بر وجود اشیاء است و ماهیت، معلول وجود به‌شمار می‌آید. ملاصدرا، فیلسوف فقید ایرانی در ۷۱ سالگی هنگام آغاز سفر هفتم حجتش یاد در بازگشت از آن سفر به سال ۱۰۵۰ ه.ق در شهر بصره چشم از جهان فرو بست.

کتابخانه

مشروعیت هنر مدرن

کتاب «اهمیت امر زیبا در زمانه ما» نوشته هانس گئورگ گادامر، با ترجمه فریدا فرنوندر در ۱۲۱ صفحه با قیمت ۱۴۸ هزار تومان توسط انتشارات بیدگل منتشر شده است. هانس گئورگ گادامر، فیلسوف برجسته آلمانی، در این جستار عمیق که از مهم‌ترین نوشته‌های او در باب هنر است، استدلال می‌کند که میان هنر گذشته و هنر مدرن پیوستگی هستی‌شناسانه‌ی عمیقی وجود دارد. او در تأیید دیدگاهش به تحلیل مبانی انسان‌شناختی تجربه نماد و عید، می‌پردازد. به باور گادامر، حفظ آنچه تنها به‌صورت گذرا وجود دارد و تبدیل آن به نوعی دیرین، رسالت هنر امروز، هنر دیروز و هنر همه زمان‌هاست. ما در مقام مخاطب هنر باید بیاموزیم که به اثر هنری درست بنگریم، به آن گوش فرادهیم، آن را رمزگشایی کنیم و بخوانیم. تنها در این صورت است که اثر هنری، خواه سنتی باشد خواه مدرن، با ما سخن می‌گوید و از ما می‌خواهد که در آن درنگ کنیم.



اهمیت امر زیبا در زمانه ما

نویسنده:

هانس گئورگ گادامر

مترجم: فریدا فرنوندر

انتشارات: بیدگل

تاریخ

روز بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف



روز بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف در ایران روز یکم خردادماه تعیین شده است. در تعریف مفهومی، بهره‌وری به استفاده مطلوب، مؤثر و بهینه از همه لحظه‌ها، مجموعه امکانات، ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها، سرمایه‌ها، نیروها و منابعی که به انسان برای رسیدن به رشد و شکوفایی همه‌جانبه کمک می‌کنند، اطلاق می‌شود. بهینه‌سازی مصرف هم به‌معنای استفاده درست و به‌اندازه، برای تضمین توسعه پایدار برای همگان و تمام نسل‌ها و نیز جلوگیری از زیان‌های ناشی از مصرف نادرست در حد مقدرات است. با توجه به این دو تعریف می‌توان گفت، این دو مفهوم پیش از اینکه به‌عنوان شاخص اقتصادی یا عامل توسعه مطرح شوند به‌عنوان مقولاتی فرهنگی می‌توانند قلمداد شوند. در ایران هم بهره‌وری پایین است، هم مصرف بسیار بالاست به‌تجوی که هر سال حجم و میزان مصرف منابع گسترش پیدا می‌کند. با توجه به این مشکل و برای فرهنگ‌سازی در این زمینه، یکم خردادماه به‌عنوان «روز بهره‌وری و بهینه‌سازی مصرف» در تقویم کشور به ثبت رسید.